

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال چهاردهم، شماره‌ی پنجاه و چهارم، زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۴۰-۱۱۷
(مقاله علمی - پژوهشی)

جایگاه و کارکرد فرهنگی - تمدنی رباط‌های حجاز در ایام حج (قرون ۷-۸ هـ)^۱

سیده سعیده عقیلی^۲، مهدی عبادی^۳، مهدی جمالی‌فر^۴

چکیده

در قرون هفتم و هشتم هجری در نتیجه حاکم بودن قدرت‌های متنازع و متخاصم در شرق و غرب جهان اسلام، مناسبات و تبادل فرهنگی و تمدنی مناطق مختلف آن با یکدیگر با مشکلات جدی روبه‌رو شده بود. در این میان، حجاز نقشی مهم، به‌ویژه، در ممانعت از انقطاع این مناسبات ایفا نمود و به‌واسطه حج و حج‌گزاری، به کانونی برای استمرار فرهنگی و تمدنی جهان اسلام تبدیل شد. در کنار تمامی عوامل و نهادهای فرهنگی فعال و تأثیرگذار دیگر، رباط‌ها نیز در این مهم نقش‌آفرینی کردند. بنابر یافته‌های این پژوهش تاریخی، رباط‌های حجاز که مراکزی رفاهی بودند، در جایگاه نهادهای فرهنگی و تمدنی نیز مطرح شدند و با فزونی یافتن این وجه از کارکرد رباط‌ها در این دو قرن، واقفان پرشماری از شرق و غرب جهان اسلام به احداث رباط در شهرهای مکه و مدینه پرداختند. اختصاص موقوفه‌های قابل توجه به این رباط‌ها و نیز فراهم آوردن امکاناتی چون کتابخانه در برخی از آن‌ها، موجب

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «حج و مناسبات فرهنگی تمدنی مسلمانان در قرون ۷-۸ هجری» در دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی می‌باشد.
 ۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشکده علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) aghilisaideh@gmail.com
 ۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. mebadi@pnu.ac.ir
 ۴. استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشکده علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. jamalifar90@gmail.com
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۶ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۶/۷

شد رباط‌های حجاز (شهرهای مکه و مدینه) به مراکز علمی و آموزشی نیز تبدیل شوند. بر این اساس، طی این دو قرن، در کنار افزایش نقش آفرینی اجتماعی رباط‌ها در جامعه حجاز، این بناها یا نهادها از نظر آموزشی، علمی و فرهنگی نقش تسهیل کننده مهمی ایفا کردند و به ویژه، در برقراری مناسبات فرهنگی و تمدنی مناطق مختلف جهان اسلام و استمرار آن مؤثر واقع شدند.

واژه‌های کلیدی: مراکز فرهنگی اسلامی، حج و حج‌گزاری، حجاز، رباط‌های مکه، رباط‌های مدینه

درآمد

یکی از ویژگی‌های بارز مکان‌ها و مراکز تمدنی اسلامی کارکردهای چندگانه آن‌هاست. با وجود اینکه این بناها، مکان‌ها و مراکز با کارکرد مشخصی ساخته می‌شدند، به تدریج و در نتیجه تغییرات تاریخی و تمدنی، در کنار کارکرد اصلی و نخستین خود، کارکردهای جدید و متفاوتی را نیز پذیرفتند. در این میان، گاهی در برخی مناطق و سرزمین‌های اسلامی نقش آفرینی جدید نهاد و بنایی تا بدان حد جدی و پررنگ می‌شد که وظیفه و کارکرد نخستین آن کامل تحت الشعاع قرار می‌گرفت و یا عملاً فراموش می‌شد. رباط را می‌توان از جمله بناهایی دانست که از منظر تغییر و تبدل کارکردی، نمونه تاریخی جالبی در تاریخ و تمدن اسلامی به‌شمار آورد. رباط‌ها در اصل بناهایی نظامی محسوب می‌شدند که در اوایل دوران اسلامی در سرحدات و ثغور عمدتاً غرب جهان اسلام و سرزمین‌های شمال آفریقا (مغرب اسلامی) بنا شدند (Rabbat, 1995: 506). به واسطه استمرار فتوح اسلامی و سپس اهمیت پاسبانی از مرزهای دارالاسلام همچنان بنا و ساخت رباط‌ها، که هنوز قلعه‌هایی مستحکم با کارکرد نظامی و دفاعی بودند، کم و بیش استمرار داشت تا جایی که در قرن دوم هجری در مرزهای شرق جهان اسلام از جمله خراسان نیز رباط‌هایی بنا شده بودند. با گذر زمان، علاوه بر اینکه دوران فتوح به پایان رسید و تا حدود زیادی مرزهای اسلامی در بسیاری از مناطق تثبیت شد، روند تغییر کارکرد رباط نیز آغاز شد. نکته مهم و در عین حال جالب درباره تحول کارکرد رباط‌ها این است که علاوه بر اینکه در مناطق مرزی و ثغور با حفظ نقش و اهمیت دفاعی، به مراکز فرهنگی و آموزشی تبدیل شدند (زمانی محبوب، ۱۳۹۲:

(۱۸۸)، در سرزمین‌های داخلی جهان اسلام، عملاً رباط‌ها به اقامتگاه‌هایی برای ژهاد، اهل تصوف و یا مراکزی برای تعلیم، تربیت و آموزش تبدیل شد (القلیبی التونی، ۱۳۷۱: ۳۰۹-۳۱۰). در نتیجه این تحول، بنای رباط‌های مناطق مختلف، به‌ویژه، شهرها و حومه شهرها گسترش یافت و در اقصی نقاط جهان اسلام به اقتضای شرایط رباط‌هایی با کارکردهای غیر نظامی و دفاعی ساخته شد، یکی از مناطقی که ساخت رباط در آن عمدتاً با اهداف فرهنگی و تمدنی، نه دفاعی و نظامی صورت می‌گرفت، سرزمین حجاز بود. از این رو، حتی نهاد وقف نیز برای بنای رباط‌های با کارکرد فرهنگی در این منطقه به کار گرفته شد تا بدانجا که بنیان‌گذاری رباط در حرمین شریفین یعنی مکه و مدینه، برای واقفین حکومتی و غیرحکومتی در اولویت قرار گرفت (بدریشی، ۱۴۲۱: ۱۰۳). در قرون هفتم و هشتم هجری تعداد پرشماری رباط در حجاز وجود داشتند که نه در جایگاه بناهای نظامی و دفاعی، بلکه در جایگاه مراکز و نهادهایی فرهنگی - تمدنی ایفای نقش می‌کردند. با توجه به اینکه در ایام حج شمار زیادی از حجاج از نواحی مختلف جهان اسلام راهی حجاز می‌شدند، بررسی کارکردهای مختلف فرهنگی رباط‌ها در این ایام اهمیت دارد. پژوهش حاضر با تکیه بر منابع تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی به واکاوی جایگاه و کارکرد رباط‌ها به مثابه مراکزی فرهنگی-تمدنی در حجاز طی قرون هفتم و هشتم هجری می‌پردازد و نقش این رباط‌ها در تعاملات فرهنگی و تمدنی مسلمانان در ایام حج‌گزاری را تبیین می‌نماید.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با رباط‌ها در حجاز در قرون هفتم و هشتم هجری را از نظر موضوعی می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته نخست مطالعات مرتبط با حج و حجاز در عصر ممالیکاند که ضمن آن‌ها به رباط‌ها در این منطقه اشاره شده است؛ آمنه حسین محمد علی جلال (۱۴۰۷ق) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *طرق الحج و مرافق الحجاز فی العصر المملوکی (۹۲۳-۶۴۸هـ)* به صورت گذرا به برخی رباط‌های مکه و مدینه و واقفان آن‌ها در دوره ممالیک پرداخته است (جلال، ۱۴۰۷: ۴۰۰-۴۲۰) احمد هاشم احمد بدریشی (۱۴۲۱ق) نیز در رساله دکتری *اوقاف الحرمین الشریفین فی العصر المملوکی (۹۲۳-۶۴۸ق)* ضمن مباحث خود از ابنیه ساخته شده در

حرمین اطلاعاتی درباره تعدادی از رباط‌های ساخته شده در دوره ممالیک با تأکید بر دوره ممالیک برجی ارائه می‌دهد (بدریشی، ۱۴۲۱: ۱۰۲-۱۰۶). همچنین عباس بصیری (۱۴۰۰ش) در *اوضاع فرهنگی و اجتماعی حرمین شریفین در دوره ممالیک (۹۲۳-۶۴۸ق)* در بخش نهاد وقف در حجاز این دوره، به بررسی برخی رباط‌های این منطقه پرداخته، که بخش قابل توجهی از اطلاعات ارائه شده در این کتاب متکی بر مطالعات عربی پیش از آن است (بصیری، ۱۴۰۰: ۱۳۳-۱۴۳). دسته دوم مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر آثاری هستند که در ارتباط با رباط‌ها و تاریخ رباط به نگارش درآمده‌اند؛ از جمله این آثار می‌توان به مدخل «رباط»^۱ در *دایرةالمعارف اسلام*^۲ به قلم ناصر الرباط^۳ (۱۹۹۵م) اشاره کرد که در آن تاریخ این نهاد نظامی دفاعی جهان اسلام به صورت کلی و مختصر بررسی شده است، اما در آن رباط‌های مکه و مدینه مورد توجه قرار نگرفته است (Rabbat, 1995: 493-506). ریچارد مرتل^۴ (۱۹۹۸م) در مطالعه *Ribāṭs in Mecca during the medieval period: a descriptive study based on literary sources* رباط‌های مکه در قرون ۴ تا ۷ هجری را بررسی کرده است و از ویژگی‌های این مقاله ارائه داده‌های تاریخی گسترده مأخوذ از منابع مختلف تاریخی است (Mortel, 1998: 29-50). همچنین حسین عبدالعزیز حسین شافعی (۱۴۱۶ق) در فصل دوم پایان نامه کارشناسی ارشد با نام *الرباط فی مکه المکرمة منذ البدايات و حتی نهاییه العصر المملوکی*، با در پیش گرفتن شیوه سالشمارانه، رباط‌های عصر ممالیک را معرفی و اطلاعاتی درباره واقفین و ساکنین این اماکن ارائه کرده است (شافعی، ۱۴۱۶: ۶۴-۱۲۶). با این اوصاف، می‌توان گفت که تاکنون اثر مستقلی درباره جایگاه و کارکرد رباط‌ها از منظر فرهنگی و تمدنی در ایام حج در قرون هفتم و هشتم هجری منتشر نشده است.

ظهور و وجود رباط در حجاز قبل از قرن هفتم هجری

از قرن چهارم هجری با تغییر رباط‌ها از مکان‌های نظامی به آموزشی و تبدیل آن‌ها به

-
1. Ribāt
 2. *EI2*
 3. Nasser Rabbat
 4. Richard Mortel

نهادهایی عمدتاً عام‌المنفعه جهت اسکان مسافران، معماری این بناهای نظامی نیز تغییر کرد و تبدیل به مهمانسرا شدند (سید حمزه و سلطان احمدی، ۱۳۹۸: ۳۲). از حدود قرن پنجم هجری در حجاز و شهر مکه نیز رباط‌هایی ساخته شدند که از آن‌ها اغلب برای سکونت حجاج در موسم حج و حج‌گزاری استفاده می‌شد (جلال، ۱۴۰۷: ۴۰۰). به تدریج اهمیت رباط‌ها در حجاز از نظر فراهم آوردن امکانات لازم برای حجاج بیت‌الله الحرام در مکه و زائران مسجدالنبی در مدینه افزایش یافت و از سنت وقف برای احداث رباط‌های جدید بهره گرفته شد، ضمن اینکه واقفان تلاش می‌کردند شرایطی را برای سکونت و بهره‌مندی مسافران از امکانات این رباط‌ها ایجاد نمایند که در میان این مسافران، حجاج جایگاه برجسته‌ای داشتند (شافعی، ۱۴۱۶: ۲۳۳-۲۳۴). نکته جالب توجه از نظر تاریخی این است که در این دوره گروه‌های مختلف مسلمانان رباط‌هایی مختص خود در مکه بنا نهادند؛ از جمله رباط ابن منده مختص اهالی اصفهان (Mortel, 1998: 31)، رباط زرندی برای حجاج زرند و ساوه (مالکی، ۱۴۰۱: ۲۳۲-۲۳۳)، رباط اخلاطی ویژه مردم اخلاط (شافعی، ۱۴۱۶: ۳۳-۳۴)، رباط الحضارمه برای اهالی حضرموت (مالکی، ۱۴۰۱: ۲۳۴) و رباط البخاریه ویژه حجاج بخارا (همان، ۲۳۵) بودند، ضمن آنکه رباط دمشقیه (جلال، ۱۴۰۷: ۸۰) و رباط المراغی (الاحمدی، ۲۰۲۲: ۶۱۱) به عموم مسلمانان از جمله حجاج مناطق شرقی جهان اسلام از جمله ایران و عراق اختصاص داشتند. سابقه بنای رباط‌ها در مدینه نیز به حدود قرن پنجم هجری باز می‌گردد. در مدینه نیز به مانند مکه، ساخت رباط‌ها برای سکونت زوار مرقد پیامبر (ص) رایج شده بود. با توجه به اینکه تعداد مجاوران مدینه اغلب کمتر از مکه بود، تعداد رباط‌های مدینه در اعصار پیش از قرن هفتم هجری کمتر بود و عمدتاً نیز به عموم مسلمانان از شرق و غرب جهان اسلام اختصاص داشتند. از جمله رباط‌های مدینه در این دوران می‌توان به رباط عثمان (مالکی، ۱۴۰۱: ۲۵۰-۲۵۱)، رباط خلیفه الناصرالدین‌الله و رباط مادرش (همان، ۲۵۱-۲۵۳؛ منشاوی محمد، ۲۰۲۲: ۴۲۷)، رباط المراغی (جلال، ۱۴۰۷: ۱۴۷) و رباط الزنجبیلی برای صوفیان، زهاد و طالبان علم و حج‌ج اشاره کرد (مالکی، ۱۴۰۱: ۲۵۳). با این اوصاف از زمان ساخت رباط در شبه جزیره عربستان به‌ویژه حجاز، این بناها که نماد و شاخص تمدنی محسوب می‌شدند که

از سرزمین‌های غربی جهان اسلام به سرزمین وحی منتقل شده بود، خیلی زود در عرصه فرهنگی نیز نقش آفرینی کردند و در قرون هفتم و هشتم از جمله مکان‌هایی بودند که در سرزمین حجاز در خدمت یکی از مهم‌ترین مناسک دینی مسلمانان یعنی حج درآمدند.

وقف، واقفان و زندگی در رباط‌های مکه در قرون هفتم و هشتم هجری

سرزمین حجاز در اغلب ادوار تاریخی به واسطه قرار گرفتن دو شهر مقدس مکه و مدینه برای مسلمانان اهمیت خاص خود را داشت و مراسم حج و حج‌گزاری موجب شده بود که توجه ویژه‌ای به این سرزمین از سوی مسلمانان شود. بر این اساس، می‌توان گفت که در اغلب دوره‌های تاریخی بخش قابل توجهی از دستاوردهای تمدنی و فرهنگی جهان اسلام در حجاز نیز جلوه‌گر می‌شد. در این میان، با توجه به اهمیت حج و حج‌گزاری برای مسلمانان از یک‌سو و برای ساکنان حجاز و حرمین از سوی دیگر، عمده امکانات مادی و معنوی حجاز در ایام حج به این امر مهم اختصاص می‌یافت و رباط‌های مکه و مدینه از نظر کارکردی برای استفاده حج‌گزاران استفاده می‌شدند. شاید بتوان گفت به دلیل همین نقش و کارکرد مهم رباط‌ها در برگزاری مناسک حج در قرون هفتم و هشتم هجری بود که ساخت یا تعمیر رباط‌ها در مکه، در این دو قرن مورد توجه خاص افراد متنفذ و مسلمانان مناطق شرقی و غربی قلمرو اسلامی بود. از این‌رو، علما^۱، امرا^۲، سلاطین^۱، تجار^۲، فقهاء^۳، بانوان^۴ و

۱. از جمله رباط‌های ساخته شده به دست عالمان می‌توان به رباط التیمی اشاره کرد که در سال ۶۲۰ هجری توسط ابوالعباس (ابوجعفر) احمد بن ابراهیم بن عبدالملک بن مطرف الفنجیری تمیمی مری (م ۶۲۷) صوفی و عالم اندلسی ساخته شده بود. (ابن فهد، ۱۴۲۶: ۶۵۷/۳؛ فاسی، ۱۴۱۹: ۴/۳؛ فاسی، ۱۴۲۸، ۵۴۶/۱).

۲. در قرن هفتم هجری امیران و صاحب منصبان مختلف تعداد قابل توجهی رباط در مکه ساختند؛ الاقرامز بن محمود بن قرامز الافزری الفارسی در سال ۶۱۷ رباط الخوزی را مشرف بر مسجدالحرام بنا نهاد (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۲/۱؛ همان، ۱۴۲۸: ۳۸۲/۱ و ۵۴۴؛ ابن زهیره، ۱۴۲۳: ۱۸۴). امیر فخرالدین ایاز بن عبدالله البانیاسی از افراد متنفذ دربار سلطان الملک العادل و الملک الکامل ایوبی نیز رباط البانیاسی را در سال ۶۲۵ هجری بنا نهاد (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۱۵/۳ و ۲۸۳/۱؛ مکی، ۱۴۳۰: ۳۸۹/۲). همچنین شجاع‌الدین ابی‌بکر بن عمر بن محمد الطغتنکینی امیر الحاج سال‌های ۶۱۸ تا ۶۲۶ هجری، نائب ملک

کامل در تولیت مکه و مدینه در ایام حج، رباط الطغتنکینی را مقابل مناره باب بنی شیبه بنا کرد (ابن فهد، ۱۴۲۶: ۶۵۹/۳؛ فاسی، ۱۴۲۸: ۳۵۸/۲). امیر فخرالدین عثمان بن قزل‌الکاملی (م ۶۲۹) از امرای دولت الکاملیه در کنار بناهای عام‌المنفعه متعدد، در مکه نیز رباط الکاملی را در جوار باب الحزوره ساخته بود (الصفدی، ۱۴۰۱: ۵۰۴/۱۹-۵۰۳). برخی افراد وابسته به عباسیان نیز در ساخت رباط در مکه در این دوره مشاکت داشتند؛ اقبال بن عبدالله الشرابی المستنصری العباسی (م ۶۵۳) موقوفه‌هایی را به بنای رباطی در مکه اختصاص داد و فردی موسوم به الشهاب ریحان در سال ۶۴۰ هجری به نمایندگی از این دولتمرد عباسی رباطی را روبه‌روی باب شیبه و مسعی احداث کرد که به رباط الشرابی شهرت داشت (ابن تغری بردی، ۱۴۱۰: ۴۶۴/۲؛ مقریزی، ۱۴۲۷: ج ۱، القسم الثانی، ۳۱۵).

۱. حاکمان مسلمان نیز در این دوره به بنای رباط در مکه اهتمام داشتند؛ بهاء الدین محمد بن ابی‌علی سلطان جبال، غور و هند در سال ۶۰۰ هجری رباط ابن‌غنائم را در منطقه الدریبه بنا کرد (ابن فهد، ۱۴۲۶: ۵۷۱/۲؛ فاسی، ۱۴۱۹: ۳۱۵/۲). ملک منصور حسام‌الدین لاجین (م ۶۹۸ ه) رباط العباس را به صورت استراحتگاهی در قرن هفتم هجری احداث نمود که در سال ۷۰۹ هجری ملک ناصر محمد بن قلاوون (حک ۷۰۹-۷۴۱ ه) آن را بازسازی کرد (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۳/۱؛ مالکی مکی، ۱۴۲۴: ۶۲۷/۲؛ محجوب میرغنی، ۱۴۲۹: ۲۱۳). غیاث‌الدین محمد بن اسحاق ابرقوهی شیرازی (م ۷۸۵ ه) به دستور شاه شجاع مظفری حاکم فارس (م ۷۸۸ ه)، در سال ۷۷۱ هجری رباط شاه شجاع مظفری (غیاث‌الدین ابرقوهی) را روبه‌روی باب الصفا بنا نهاد (ابن قاضی شهبه، ۱۴۱۸: ۳۳۳/۴؛ همان، ۱۸۷/۴؛ مکی، ۱۴۳۰: ۳۸۹/۲).

۲. ابراهیم بن محمد بن ابراهیم الاصبهانی (ملقب به العز و الاصفهانی) از جمله تاجران است که با بنا و وقف رباط العز در سال ۷۴۹ هجری در امر بنای رباط در مکه مشارکت کرده بود (فاسی، ۱۴۱۸: ۱۲۵).

۳. قاضی الموفق ابوالحسن علی بن ابی القاسم عبدالوهاب الاسکندری (م ۶۲۴ ه) فقیه مصری از جمله فقهای بود که رباط موفق (المغاربه) را در حزامیه بنا کرد (ابن ضیاء، ۱۴۱۸: ۱۹۰؛ ابن‌ظهير، ۱۴۲۳: ۲۸۹).

۴. از جمله مسائل جالب توجه تاریخی در بنای رباط‌های مکه در این دوره اهتمام برخی زنان در احداث این بناها است، ضمن اینکه برخی رباط‌های ویژه اسکان بانوان نیز ساخته شده بود؛ در منطقه حزامیه رباطی مختص بانوان موسوم به رباط النسوان ساخته شده بود (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۵/۱). همچنین رباط زینب الدمشقی توسط زنی خیر، نیکوکار و عالم به نام زینب بنت عمر الکندی الدمشقیه (م ۶۹۹) به صورت وقفی بنا نهاده شده بود (ابن عماد، ۱۴۱۲: ۸۷۲/۷). در قرن هفتم هجری رباطی به نام رباط بنت التاج در مکه ساخته شده بود که مختص زنان صوفی و غیر صوفی حج‌گزار بود؛ اشتهار این رباط به این نام به این دلیل بود که تاج النساء رستم ابی‌الرجاء بن محمد الاصفهانی به بازسازی این رباط همت نهاده بود (الصفدی، ۱۴۰۲: ۳۷۴/۱۰؛ ابن فهد، ۱۴۲۱: ۶۵۰/۱). رباط الساحة نیز دیگر رباط مکه

بزرگان^۱ رباط‌هایی در مکه ساختند.

بانیان رباط‌های مکه با در نظر داشتن اینکه حجاج از سراسر قلمرو اسلامی برای برپایی فریضه حج به مکه می‌آمدند عمدتاً بناهای خود را وقف عام می‌کردند. در وقف نامه رباط‌هایی چون ابن غنایم (فاسی، ۱۴۱۹: ۳۱۵/۲)، الطغتنینی (ابن فهد، ۱۴۲۸: ۶۵۹/۳؛ فاسی، ۱۴۲۸: ۳۵۸/۲)، العز (فاسی، ۱۴۱۸: ۱۲۵)، الشرابی (ابن فهد، ۱۴۲۶: ۶۶۲/۳؛ فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۱/۱؛ همان، ۱۴۲۸: ۴۷۷/۱)، الموفق (فاسی، ۱۴۲۸: ۵۵۱/۱-۵۵۰) شاه شجاع (همان، ۱۴۱۹: ۱۰۸/۲؛ همان، ۱۴۲۸: ۵۴۶/۱)، التیمی (همان، ۱۴۲۸: ۵۴۶/۱) با جزییات کامل شرایط لازم برای سکونت و استفاده افراد به مانند مدت زمان اسکان، تعلق سرزمینی (ملیت)، تأهل یا مجرد، جنسیت، اهل تصوف و نیازمند بودن ساکنان به صراحت بیان شده بود. مشارکت و اهتمام طیف گسترده‌ای از مسلمانان مناطق مختلف جهان اسلام در بنای رباط‌ها در شهر مکه خود مبین اهمیت رباط‌ها در این شهر در دوره مورد بحث است. از این رو، بانیان این بناها در دو دسته کلی قرار می‌گیرند: دسته اول واقفان حکومتی (اعم از حاکمان و صاحب‌منصبان) بودند؛ این گروه از واقفان، فارغ از اهداف دینی و مذهبی اعلامی، عمدتاً با اهداف و اغراض سیاسی و برای کسب مشروعیت به بنای رباط‌ها اهتمام می‌کردند. در واقع، در این دوره حکام مملوکی و ایلخانی با احداث بناهای مرتبط با حج و حج‌گزاری، از جمله بنای رباط در مکه، در پی ارتقاء و تثبیت جایگاه و موقعیت خود در حجاز و بین مسلمانان بودند. دسته دوم نیز واقفانی بودند که با انگیزه‌های دینی و عقیدتی صرف و با هدف بر جای

در منطقه اجیاد بود که در قرن هفتم هجری به صورت وقفی و توسط جمعی از بانوان خیر به صورت مشارکتی ساخته شد که آمنه بنت عنان بن حسن العذریه (م ۶۵۶هـ) مادر قطب الدین القسطلانی (م ۶۸۱هـ) از جمله این زنان بودند (فاسی، ۱۴۱۸: ۱۲۵؛ همان، ۱۴۱۹: ۲۸۴/۱). رباط ام سلیمان نیز در سال ۷۲۲ هجری در سوق‌اللیل توسط زنی صوفی و زاهد به نام ام سلیمان (م ۸۰۲هـ) ساخته شد که از آن با عنوان «زاویه ام سلیمان» هم یاد شده است (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۴/۱؛ همان، ۱۴۲۸: ۵۴۸/۱). از جمله نمونه‌های دیگر رباط‌های ساخته شده به دست زنان در مکه می‌توان به رباط ام الحسین اشاره کرد که توسط ام الحسین، همسر قاضی ابوالفضل نویری و دختر قاضی شهاب‌الدین احمد بن محمد طبری در سال ۷۸۴ هجری ساخته شده بود (سخاوی، بی‌تا: ۱۴۰/۲؛ فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۴/۱).

۱. جمال‌الدین محمد بن فرج بن بعلجد تاجر مکی (م ۷۹۰هـ) رباط ابن بعلجد را در سال ۷۸۷ هجری بنا نهاد (ابن فهد، ۱۴۲۶: ۷۱۶/۳؛ طبری، ۱۴۱۶: ۷۷).

نهادن نام نیک به احداث رباط‌ها می‌پرداختند که اغلب موقوفاتی از قبیل زمین‌های حاصلخیز (فاسی، ۱۴۱۹: ۴۳/۲ و ۱۸۲)، درختان پربار (ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۳۹۲/۱)، حجره‌ها و اتاق‌های استیجاری مختص سکونت ثروتمندان که اجاره بهای دریافتی از آنها صرف هزینه‌های جاری، به‌ویژه، سقایت و اطعام ساکنین رباط‌ها می‌شد (ابن فهد، ۱۴۲۶: ۲۳۸/۳-۲۳۹) از لحاظ موقعیت جغرافیایی و مکانی، بیشتر این رباط‌ها در اطراف مسجدالحرام و بازارهای نزدیک به آن قرار داشتند.^۱ به نظر می‌رسد انتخاب مکان‌هایی نزدیک به حرم برای رفاه بیشتر ساکنان و تسهیل در تردد به مسجدالحرام و حضور در فرائض دینی بود. با افزایش تعداد این رباط‌ها در مکه، نوعی از سنت مرسوم با تشکیلاتی مشخص برای اداره امور آنها در مکه پدیدار شد که در ساختار آن متولیان امور با عناوینی چون شیخ، ناظر، متولی، نگهبان و خادم شناخته می‌شدند.

با توجه به اقلیم خشک و کم آب شبه جزیره عربستان، در اکثر مواقع حجاج با کمبود آب آشامیدنی مواجه می‌شدند. با توجه به حضور و سکونت پرشمار مسلمانان اقصی نقاط جهان اسلام در رباط‌های مکه، واقفان نیاز بیش از پیش به فراهم آوردن امکانات رفاهی و بهداشتی احساس کردند. سقایت حجاج و آبرسانی به مجاورین که از اعصار پیشین سنتی مرسوم در مکه بود، در این دوره نیز همچنان مورد توجه بود. از این‌رو، با حفر چاه‌های آب در داخل رباط‌ها تدابیری اندیشیده شد. چاه آب رباط‌های ربیع، موفق، بنت التاج، شرابی، غزی، کلاله و العباس آب آشامیدنی مسلمانان مخصوصاً

۱. در شمال مسجدالحرام رباط الکاملی (الصفدی، ۱۴۰۱: ۵۰۳/۱۹-۵۰۴)، در جنوب مسجدالحرام رباط‌های البانیسی (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۱۵/۳ و ۲۸۳/۱) و شاه شجاع (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۳/۱)، در شرق مسجدالحرام رباط‌های شجاع الدین طغتنینی (ابن فهد، ۱۴۲۶: ۶۵۹/۳؛ فاسی، ۱۴۲۸: ۳۵۸/۲)، شرابی (ابن فهد، ۱۴۲۶: ۶۶۲/۳؛ فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۱/۱؛ همان، ۱۴۲۸: ۴۷۷/۱)، کلاله (فاسی، ۱۴۲۸: ۵۴۶/۱؛ ابن فهد، ۱۴۰۳: ۶۴/۳)، موفق (ابن ظهیر، ۱۴۲۳: ۲۸۹) العباس (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۷۸/۱)، در غرب مسجدالحرام رباط خوزی (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۲/۱؛ همان، ۱۴۲۸: ۵۴۴/۱)، در اجیاد یعنی جنوب شرقی مسجدالحرام رباط‌های بنت التاج (فاسی، ۱۴۱۹: ۳۷۴/۶؛ ابن فهد، ۱۴۲۱: ۶۵۰/۱)، غزی (ابن فهد، ۱۴۰۳، ۶۶۲/۳؛ فاسی، ۵: ۳۱۰/۱۴۱۹)، الساحة (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۴/۱؛ همان، ۱۴۲۸: ۵۴۸/۱) ابن بلجد (ابن فهد، ۱۴۰۳: ۳۴۹/۳؛ فاسی، ۱۴۱۹: ۳۳۶/۲)، در زقاق الحجر نیز رباط‌های ام‌الحسین (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۴/۱) و الاصبهانی (فاسی، ۱۴۱۸: ۱۲۵) و همچنین در سوق اللیل رباط ام سلیمان (ابن فهد، ۱۴۰۳: ۴۲۲/۳) قرار داشتند.

حجاج را در ایام حج‌گزاری که جمعیت فراوانی در مکه حضور پیدا می‌کردند فراهم می‌کرد (فاسی، ۱۴۲۸: ۵۵۶/۱-۵۵۸). از آنجا که ساکنان رباط‌های مکه به دو صورت موقت و مجاور دائم بودند، تأمین نیازهای اولیه، به‌ویژه، امکانات بهداشتی مهم‌ترین دغدغه واقفان محسوب می‌شد، به‌ویژه اینکه در آموزه‌های دینی اسلام نسبت به مسائل بهداشتی، در قالب مسائل و مباحث مربوط به طهارت برای به‌جای آوردن فرائض الهی، تأکید زیادی شده بود. بنابراین، واقفان و متولیان امر برای فراهم آوردن امکانات بهداشتی در رباط‌ها به مانند حمام (امکانات استحمام) جهد و تلاش زیادی می‌کردند و حتی در برخی موارد برای تدفین اموات نیز محل خاصی در نظر گرفته می‌شد (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۳/۱؛ همان، ۱۴۲۸: ۹/۱؛ ابن فهد، ۱۴۲۱: ۶۲۶/۱ و ۱۹/۲؛ سخاوی، بی‌تا: ۱۲۰/۱۰ و ۱۹۳). در کل، عمده تلاش واقفان رباط‌ها بر این بود که تمامی لوازم و امکانات اولیه و مورد نیاز ساکنان این بناها، از جمله در ایام حج، در مکه تأمین شود تا جایی که آن‌ها بتوانند با خاطری آسوده به حج‌گزاری و انجام وظائف خود بپردازند. به نظر می‌رسد این امیدواری وجود داشته است که حجاج و ساکنان رباط‌ها ضمن عبادات خود از واقفان این رباط‌ها نیز یاد کنند و از خداوند برای آن‌ها طلب خیر و مغفرت نمایند، ضمن اینکه نباید از نظر دور داشت که واقفان موقوفه‌ها تلاش داشتند از طریق موقوفات جاریه و خیرات خود نامی و نشانی در بین مسلمانان و ساکنین مکه فراهم نمایند.

نقش فرهنگی رباط‌های مکه در ایام حج‌گزاری

در قرن هفتم هجری به دلیل یورش مغولان و سپس تسلط بر مناطق شرقی سرزمین‌های اسلامی و نیز تلاش برای تسلط بر مناطق غربی جهان اسلام، شرایط خاصی از نظر تاریخی بر جهان اسلام حاکم بود و این دوره تمدن اسلامی یکی از حساس‌ترین ادوار خود را تجربه می‌کرد تا بدان‌جا که گاهی این مقطع تاریخی آغاز و مبدأ انحطاط تمدنی دوره اسلام دانسته می‌شود. به‌رغم اینکه مغولان صدمات جدی به مسلمانان و تمدن اسلامی وارد ساختند، به‌تدریج مغلوب برتری فرهنگی و تمدنی مسلمانان شدند و با پذیرش آیین اسلام عملاً بخشی از جامعه اسلامی شدند، اما لطمات و صدمات تحولات قرن هفتم هجری کم و بیش تا قرن هشتم هجری نیز استمرار یافت. در ادوار

پیشین، مناسبات فرهنگی-تمدنی بین مناطق و بخش‌های مختلف جهان اسلام، با وجود حاکم شدن سلسله‌ها و حکومت‌های متعدد و گاهی متخاصم در جریان بود و یکی از عوامل پویایی تمدن اسلامی نیز بی‌تردید همین ویژگی بود و به همین دلیل نیز تمدن اسلامی تمدنی یکپارچه محسوب می‌شد و گستره آن به وسعت جغرافیای فراخ جهان اسلام بود، اما تسلط مغولان و استمرار حاکمیت آن‌ها با تشکیل دولت‌های متعددی مانند ایلخانان و دشمنی این سلسله با مهم‌ترین قدرت سیاسی غرب جهان اسلام، عملاً امکان ارتباط فرهنگی و تمدنی شرق و غرب جهان اسلام را به کمترین حد ممکن در قیاس با ادوار پیشین رسانده بود. در چنین شرایطی بود که حج و حج‌گزاری مسلمانان و به تبع آن سرزمین حجاز و مکه نقش مهمی در قطع نشدن مناسبات فرهنگی دو بخش مهم از جهان اسلام ایفا کرد و پیوستگی فرهنگی و تمدنی جوامع اسلامی را با وجود تمام محدودیت‌ها و موانع به وجود آمده استمرار بخشید.

وجود خانه کعبه و برگزاری سالانه مراسم حج، مکه را به کانون مهم پیونددهنده فرهنگی - تمدنی دارالاسلام مبدل کرد. در چنین شرایطی بود که رباط‌های مکه که محفل و مکانی برای سکونت حجاج بیت‌الله الحرام از نواحی مختلف شرق و غرب جهان اسلام بودند، به نقطه پیوند مناسبات فرهنگی مسلمانان در قرون هفتم و هشتم هجری مبدل شده بودند. در این دوره حضور و سکونت افراد پرشمار در رباط‌های مکه موجب شد تشکیلاتی منسجم و مشخص برای اداره امور این بناها پدید آید و عملاً رباط‌ها به نهادهایی با کارکردهای چندگانه رفاهی، فرهنگی-تمدنی تبدیل شدند. شیخ، ناظر، متولی، نگهبان و خادمین از جمله در تشکیلات اداری رباط‌ها نقش، وظایف و جایگاه خاص خود را داشتند و در کنار یکدیگر مسئولیت اداره امور رباط، موقوفه‌ها و رتق و فتق نیازهای ساکنان را بر عهده داشتند. نکته جالب توجه اینکه شیوخ رباط‌ها افزون بر اداره امور جاری، اقداماتی دیگر نیز در خصوص ساکنان پیش می‌بردند که می‌توان از مجموع آن‌ها با عنوان اقدامات فرهنگی در رباط یاد کرد. بنابر اطلاعات موجود در منابع، شیوخ رباط‌های ربیع (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۲۰/۳؛ ابن فهد، ۱۴۲۱: ۱۱۴۹/۲)، موفق (ابن فرحون، ۱۴۲۷: ۱۱۶)، خوزی (فاسی، ۱۴۱۹: ۳۷۴/۵ - ۳۷۵؛ طبری، ۱۴۱۶: ۱۱۷۷/۲)، غزی (فاسی، ۱۴۱۹: ۳۶/۶)، کلاله (فاسی، ۱۴۱۹: ۳۹۳/۱)، بعلجد (ابن فهد، ۱۴۲۵: ۸۹۳/۲) در مکه متولی انجام و پیگیری چنین اموری از سوی

واقفان در این رباطها بودند. این شیوخ که برخی مدتی طولانی (و گاه چندین دهه) متولی رباطها بودند،^۱ برای انجام این بخش از وظایف خود حتی به تشکیل حلقه‌های درس جهت برطرف ساختن نیازهای آموزشی ساکنان اهتمام می‌ورزیدند. حضور و سکونت عالمانی برجسته از شرق و غرب جهان اسلام در رباطهای مکه، به‌ویژه در ایام حج از جمله کارکرد فرهنگی رباطهای مکه را در قرون هفتم و هشتم متجلی می‌کرد. بنابر گزارش منابع، عالمانی با پسوندهای معرف‌المصری و القرطبی، در کنار علمایی از ایران و هندوستان، که با کاروان‌های حج از دیار خود راهی مکه شده بودند، در رباطهای مکه رحل اقامت می‌گزیدند و گاهی بعد از ادای فریضه الهی حج نیز به واسطه امکانات رفاهی مطلوب به سکونت خود در رباطها و در کنار هم ادامه می‌دادند. بدین ترتیب گاهی در رباطهای مکه محفل پر رونق برای فعالیت‌های علمی فراهم می‌شد (یعقوب، ۱۴۱۸: ۱۰۲/۲؛ مقریزی، ۱۴۲۷: ۲۸۲/۵). این شرایط فرصت مغنمی را در اختیار طالبان علم از اقصی نقاط جهان اسلام قرار می‌داد تا بتوانند در چنین محافلی در محضر استادانی از سرزمین‌های مختلف اسلامی حاضر شوند و با سکونت در رباطها ره‌آورد علمی و فرهنگی مطلوبی را نیز از سفر حج خود داشته باشند (ابن حجر، ۱۴۱۴: ۸۴/۴؛ مقریزی، ۱۴۲۳: ۴۳۶/۳-۴۳۷؛ یونینی، ۱۴۲۸: ۱۳۴۴). در نتیجه، متأثر از شرایط و فضای تاریخی شهر مکه، رباطها نقشی و سهمی قابل توجه در برقراری مناسبات فرهنگی بین مسلمانان، به‌ویژه، عالمان ایفا می‌کردند و عالمان نیز در زمان بازگشت به وطن، به عناصر مهم پیوستگی فرهنگی جهان اسلام در شرایط خاص قرون هفتم و هشتم می‌پرداختند.

با افزایش اهمیت رباطهای مکه در زمان برگزاری حج، جایگاه اجتماعی متولیان رباطها نیز به واسطه نظارت و مدیریت بر موقوفه‌های رباطها افزایش چشمگیری یافته بود. از این رو، واقفان توجه ویژه‌ای در انتخاب متولیان امور رباطها داشتند. در کتیبه‌های برخی رباطهای قرون هفتم و هشتم هجری مکه، از متولیان رباطها نامبرده

۱. شیخ صالح شمس الدین محمد الشافعی چهل سال ساکن رباط موفق (ابن فرحون، ۱۴۲۷: ۱۱۶)، مهنا بن ابی بکر بن ابراهیم بن یوسف البغدادی الاصل الحنفی سی سال (فاسی، ۱۴۱۹: ۱۳۴/۶؛ سخاوی، بی تا، ۱۷۴/۱۰) و نجیب بن عبدالله الهندی ۳۵ سال ساکن رباط الخوزی (مقریزی، ۱۴۲۳: ۵۰۵/۳) بودند.

شده که از سوی واقف مشخص و معرفی شده‌اند؛ همچنین در این کتیبه‌ها از زبان واقف رباط، شروط لازم برای انتخاب متولی موقوفه‌های بنا برشمرده شده است که از آن جمله می‌توان به رباط‌العز در قرن هشتم اشاره کرد. در کتیبه این رباط واقف و سپس فرزندانش متولی موقوفات رباط معرفی شده‌اند و مشخص شده است که در صورتی که فردی از نسل واقف نباشد، اشراف حسنی حاکم بر مکه متولی امور رباط خواهند بود (فاسی، ۱۴۱۹: ۲۸۴/۱). جمال‌الدین بعلجد (م ۷۹۰هـ) نیز خود، پسرانش و قاضی شافعی مکه را متولی رباط بعلجد معرفی کرده بود (فاسی، ۱۴۱۹: ۳۳۶/۲). سکونت افراد برجسته علمی و فرهنگی در مکه و تشکیل حلقه‌های درسی در مسجدالحرام موجب شد مسلمانان با عقاید و نژادهای مختلف فارغ از رنگ و نژاد و ملیت در کنار یکدیگر به برقراری تعامل بپردازند و از تعالیم دینی بهره‌مند شوند. به تبع این مهم، با توجه به اینکه تعدادی از عالمان سرزمین‌های اسلامی دیگر در رباط‌ها سکونت داشتند، در برخی از رباط‌ها برخی امکانات آموزشی مانند کتابخانه و گردهمایی‌های علمی فراهم شد و حتی برخی واقفان کتاب‌هایی را به این کتابخانه‌ها وقف می‌کردند؛ در رباط شرابی مکه کتابخانه‌ای غنی با کتاب‌های ارزشمند بسیاری در حوزه علوم دینی وجود داشت و در این رباط و کتابخانه آن حلقه‌های علمی و آموزشی برپا می‌شد (ابن فهد، ۱۴۰۳: ۶۰/۳؛ فاسی، ۱۴۱۹: ۲۰۵/۳). محمود ابن جمال‌الدین ابی‌طاهر الهروی الناسخ (م ۷۹۶هـ) کتاب‌های فقهی و حدیثی ارزشمندی را به رباط غزی وقف کرده بود. در نتیجه رواج سنت وقف کتاب به رباط‌ها در این دوره، شرایطی فراهم شده بود که تعدادی از رباط‌های مکه عملاً به مراکز علمی و آموزشی تبدیل شده بودند (فاسی، ۱۴۱۹: ۳۶/۶).

از آنجا که با تغییر تدریجی نقش و کاربری، رباط‌ها از حدود قرون پنجم به بعد، به‌ویژه در مناطق شرقی جهان اسلام اهمیت دینی زیادی پیدا کردند، در تحولی جالب توجه برخی از این رباط‌ها در شهر مکه تا جایگاه مکان‌هایی مقدس ارتقا یافتند و می‌توان گفت تقدس شهر مکه به این رباط‌ها نیز تسری یافت. بنابر گزارشی از ابن بطوطه، یک دهم از محصولات باغات میوه طائف شامل خرما، انگور، شفتالو و انجیر به رباط ربیع در مکه ارسال می‌شد. بنابر تصریح ابن بطوطه، مردم طائف به ارسال این نذورات تا بدانجا اعتقاد داشتند که بر این باور بودند اگر از انجام این مهم غافل شوند

محصولاتشان دچار آفت و بلا خواهد شد (ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۱/۳۹۲). دور از ذهن نیست که سکونت اشخاص برجسته، علما، صلحا و صوفیان در ایجاد تصور تقدس آمیز به این رباطها تأثیرگذار بوده است. از این رو، با وجود مهم‌ترین حرم مسلمانان در مکه، برخی از رباطها نیز مورد احترام خاصی بودند. باور به تقدس برخی از رباطهای مکه نزد عوام تا بدانجا بود که بنا بر روایتی، زمانی که امیر ابی‌نمی، شریف مکه، اسب‌های خود را با آب چاه رباط ربیع سیراب کرد، بلافاصله اسبها بیمار شدند و پس از اینکه فقیری ساکن این رباط به درخواست امیر دستی بر روی شکم اسبها کشید، بیماری آنها برطرف شد (همان، همانجا). ظاهراً اتفاقاتی از این دست، احترام به این رباط را در نزد عموم به میزان قابل توجهی افزایش داده بود. بازگویی این حکایات نزد حجاج و تکرار آن در بین مسافران سبب شده بود علاوه بر اینکه این رباط در نزد ساکنان شهر مکه اهمیت خاصی پیدا کند، حجاج نیز مشتاقانه، علاقه‌مند به سکونت در این رباط شوند (همان، ۳۹۳).

رباطهای مدینه و نقش آنها در حیات فرهنگی حجاز

از زمان پیامبر اسلام (ص) در یثرب و مشهور شدن آن به مدینه‌النبی، این شهر اهمیت و جایگاه خاصی نزد مسلمانان یافته است. وجود آرامگاه پیامبر (ص) و تعدادی از شخصیت‌های برجسته صدر اسلام، مدینه را به شهری مقدس برای مسلمانان تبدیل کرده است، تا جایی که از آن در کنار مکه با تعبیر «حرمین شریفین» یاد می‌شود. حجاج قبل یا بعد از به جای آوردن مناسک حج در مکه، راهی مدینه می‌شدند تا آرامگاه پیامبر (ص)، صحابه و بزرگان این شهر را زیارت کنند. از این رو، وجود مکان‌هایی که امکانات رفاهی در اختیار این مسافران (حجاج) قرار دهند، اهمیت زیادی می‌یافت. با توجه به اینکه رباطها در حجاز کارکرد رفاهی نیز پیدا کرده بودند، طی قرون هفتم و هشتم هجری رباطهای متعددی در مدینه بنا شد. هر چند اطلاعات کمتری درباره رباطهای مدینه نسبت به رباطهای مکه و نیز بانیان و واقفان آنها در منابع وجود دارد. ظاهراً پس از سقوط خلافت عباسیان در ۶۵۶ هـ شرفای مکه، احتمالاً همسو با سیاست دولت ممالیک، از احداث رباط توسط مسلمانان و واقفان سرزمین‌های شرقی جهان اسلام ممانعت به عمل آوردند. بر این اساس، تعدادی از واقفان شرق جهان اسلام به

بنای رباط در مدینه روی آوردند (سخاوی، ۱۴۱۴: ۱/۱۶۳). البته با عنایت به اهمیت شهر مدینه برای زائران، سلاطین مملوکی نیز به بنای رباط در این شهر توجه داشتند. بنابر دستور سلطان محمد قلاوون (حک. ۷۰۹-۷۴۱هـ)، در ۷۰۶ هجری بین باب الرحمة و باب السلام در مدینه رباطی موسوم به رباط الماردانی توسط یاقوت المظفر الماردانی (والی مملوکی وقت مدینه) ساخته شد که به فقرا، نیازمندان، افراد غریب فاقد سرپناه و مردان مجرد اختصاص داشت (کعکی، ۱۴۱۹: ۲/۱۶۱ و ۳/۴۰۳). با این اوصاف، بسیاری از رباط‌های مدینه توسط خیرین مناطق مختلف جهان اسلام ساخته شده بود.

از جمله رباط‌های دیگر مدینه که توسط خدام مسجدالنبی برای سکونت زائران آرامگاه پیامبر (ص) و مقابر دیگر این شهر بنا شده بود می‌توان به رباط السعیدی توسط شهاب‌الدین السعید (م بعد از ۷۱۰هـ) و رباط ریحان الهندی (م بعد از ۷۲۰هـ) اشاره کرد که برای سکونت حجاج و مجاورین مسجدالنبی اختصاص یافته بودند (سخاوی، ۱۴۱۴: ۱/۳۴۷ و ۳۵۲؛ ابن فرحون، ۱۴۲۷: ۶۲). همچنین رباطی موسوم به رباط شیرازی در مدینه وجود داشت که در قرن هفتم هجری بنا شده بود (سخاوی، ۱۴۱۴: ۱/۱۶۳). در این میان، رباط دکالة یا رباط المغاربة از مشهورترین رباط‌های مدینه محسوب می‌شد که به واسطه سکونت افراد برجسته در آن شهرت یافته بود. این رباط ابتدا به رباط عثمان^۱ مشهور بود و سپس بیشتر با نام رباط المغاربة شناخته شد. اهمیت تاریخی این رباط در این است که در اصل مشتمل بر دو رباط بود یکی به مردان و رباط دیگر به زنان اختصاص داشت (سمهودی، ۲۰۰۶: ۲/۲۱۵؛ سخاوی، ۱۴۱۴: ۱/۳۷). رباط‌السبیل نیز توسط محمد بن عبدالله بن قاسم الکمال أبو الفضل الشهرزوری القاضی (م؟) در مدینه ساخته شد و مانند رباط دکالة به دو قسمت متصل به هم تقسیم شده بود که جداگانه به مردان و زنان اختصاص داشت (سمهودی، ۲۰۰۶: ۲/۲۴۴؛ فاسی، ۱۴۱۹: ۲/۳۳۶؛ سخاوی، ۱۴۱۴: ۲/۴۹۹). صفی‌الدین ابوبکر بن حمد بن محمد ابی‌بکر بن العاقل

۱. در برخی مراجع به صورت مبهم اشاره شده است که این رباط در محل خانه عثمان (سومین خلیفه راشد) بنا شده بود و به همین دلیل نیز ابتدا به رباط عثمان شهرت یافت. همچنین بخشی از این رباط بعدها برای اسکان فقرا و نیازمندان غیر عرب ساکن مدینه اختصاص پیدا کرد و به همین دلیل نیز عنوان «رباط العجم» برای آن رایج شد (سمهودی، ۲۰۰۶: ۲/۲۱۴-۲۱۵).

السلامی (م ۷۵۰هـ) افزون بر دو رباطی که برای زنان و مردان به صورت وقفی ساخته بود، رباطی را نیز مختص مردان مجرد فقیر و بریده از دنیا بنا کرد (سمهودی، ۲۰۰۶: ۲۱۸/۲؛ ابن فرحون، ۱۴۲۷: ۱۰۲). همچنین قسمتی از رباط‌های السبیل و السلامی به صورت اختصاصی برای سکونت افرادی در نظر گرفته شده بود که بعد از برگزاری حج راهی مدینه می‌شدند و سپس در مدینه‌النبی مجاور می‌شدند. رباط تستری (سخاوی، ۱۴۱۴: ۲۹۷/۱؛ همان، ۳۵۸/۲ و ۴۷۵)، رباط فاضل (ابن فرحون، ۱۴۲۷: ۱۵۷)، رباط مراغی (همان، ۱۴۹-۱۵۰؛ ابن قاضی شهبه، ۱۴۱۸: ۷۴/۲) و رباط بطالین (سخاوی، ۱۴۱۴: ۳۷/۱) از دیگر رباط‌های مدینه است که در منابع نام و نشان آن‌ها ذکر شده است. لازم به ذکر است که با توجه به اینکه زوار مدینه تمایل داشتند در ایام حضور در این شهر در مجاورت مسجدالنبی و مرقد پیامبر(ص) سکونت داشته باشند، اکثر رباط‌های مدینه در اطراف و پیرامون آن بنا شده بودند. همچنین عمده هزینه‌های احداث و جاری این رباط‌ها، مانند رباط‌های مکه، از موقوفات تأمین می‌شد (سخاوی، ۱۴۱۴: ۳۵۲/۱؛ ابن فرحون، ۱۴۲۷: ۶۲). در کل می‌توان گفت که رباط‌ها در مدینه نیز طی قرون هفتم و هشتم هجری، نقشی مهم و پررنگ در فراهم آوردن شرایط مطلوب برای زواری ایفا می‌کردند که بعد از ایام حج راهی این شهر می‌شدند. از این رو، در کنار بررسی عمومی این رباط‌ها، نقش و کارکرد این بناها در حیات فرهنگی این شهر و منطقه حجاز این دوره اهمیت پیدا می‌کند.

حیات فرهنگی در شهر مدینه در قرون هفتم و هشتم هجری بر خلاف ادوار پیشین، رونق قابل توجهی یافته بود. در این دوره، با توجه به شرایط آشفته‌ای که بر نواحی مختلف جهان اسلام، به ویژه شرق جهان اسلام حاکم شده بود، حجاز به دلیل دور بودن از کانون‌های بحران و درگیری‌های سیاسی و نظامی و به ویژه برخوردار بودن از شرایط آرام و مطلوب نسبی، برای فعالیت‌های علمی و فرهنگی مساعدتر به نظر می‌رسید. از این رو، تعدادی از نخبگان و عالمان مسلمان حضور و سکونت همراه با آرامش در این سرزمین را به سایر مناطق ترجیح می‌دادند و تعداد علماء مجاور حرمین افزایش قابل توجهی یافت (بصیری، ۱۴۰۰: ۲۰۵). حضور افرادی با پسوندهای شیرازی، خراسانی، اصفهانی و مانند آن‌ها و بنای رباط مخصوص مسلمانان مناطق شرقی جهان اسلام در

مدینه نشان دهنده حضور عالمان و فضلان سرزمین‌های شرقی جهان اسلام در این شهر است. در واقع، این علما به همراه حجاج قوافل شرقی (حجاج خراسانی و عراقی) راهی مکه می‌شدند و پس از به جای آوردن مناسک حج، راه مدینه را در پیش می‌گرفتند و تعدادی از آن‌ها نیز در این شهر ساکن و مجاور می‌شدند (سخاوی، ۱۴۱۴: ۱۶۳/۱ و ۲۹۷؛ همان، ۳۵۸/۲). همچنین توجه به تنوع و تکثر ساکنان رباط دکاله مدینه نشان می‌دهد، تعدادی از عالمان سرزمین‌های غربی جهان اسلام در این رباط ساکن می‌شدند که اغلب همراه قوافل حجاج مصری به مکه و سپس به مدینه می‌آمدند. برخی از این عالمان پس از توقف‌های کوتاه و بلند به موطن خود باز می‌گشتند، در حالی که تعدادی نیز به حضور در مدینه تا پایان عمر ادامه می‌دادند و ترجیح می‌دادند در منطقه حجاز و مدینه ساکن شوند و در رونق فعالیت‌های علمی و فرهنگی منطقه مشارکت نمایند. بنابراین، سرزمین حجاز و شهر مدینه در کنار مکه عملاً به کانون علمی و فرهنگی مهمی تبدیل شده بود.

با سکونت عالمان برجسته، صاحب فضل و مشهور شرق و غرب جهان اسلام در قرون هفتم و هشتم هجری در رباط‌های مدینه، این رباط‌ها به عنوان نهادهایی علمی و فرهنگی اهمیت زیادی پیدا کردند. بیشتر این علما و فضلا پس از موسم حج از مکه راهی مدینه می‌شدند و ضمن هم‌جواری با مسجدالنبی، به واسطه وجود امکانات سکونتی و رفاهی رباط‌ها می‌توانستند برای مدت طولانی‌تری در این شهر حضور داشته باشند. از این رو، شرایط مساعد و مطلوبی برای برقراری ارتباط بیشتر بین علماء نواحی مختلف جهان اسلام فراهم می‌آمد تا جایی که می‌توان گفت مدینه نیز مانند مکه در سایه حج و حج‌گزاری، به مرکزی مهم برای تبادل علمی و فرهنگی بین عالمان این دوره تبدیل شده بود (نک. ابن فهد، ۱۴۰۳: ۱۶۱/۳؛ سخاوی، ۱۴۱۴: ۳۷۸/۱؛ همان، ۱۹۷/۲-۱۹۹؛ فاسی، ۱۴۱۹: ۱۶۴-۱۶۵؛ ابن فرحون، ۱۴۲۷: ۶۹-۷۰). تعداد زیادی از حجاج زائر مدینه در برنامه‌های آموزشی و تبلیغی مسجدالنبی حاضر می‌شدند که به شکل خطبه‌خوانی و وعظ و نیز حلقه‌های درسی و با حضور عالمان و شیوخ برجسته شهر برگزار می‌گردید (سخاوی، ۱۴۱۴: ۵۹/۱؛ همان، ۴۸/۲-۴۹؛ همان، ۱۱۲/۲-۱۱۴). بخش قابل توجهی از جلسات و حلقه‌های درسی مسجدالنبی درباره قرآن، تفسیر، حدیث و نیز فقه و عقائد اسلامی بود. گاهی سطح این جلسات از نظر علمی تا بدان حد عالی

دانسته می‌شد که برخی از عالمان این مهم را به منزله افتخار می‌دانستند که در مدینه‌النبی و در جوار مرقد حضرت محمد (ص) دانش خود را در این موضوعات تکمیل کرده‌اند (همان، ۱۴۱۴: ۹۲/۱؛ همان، ۳۵۷/۲). در چنین شرایطی بود که رباط‌های مدینه ملجائی برای تعداد زیادی از عالمان سرزمین‌های اسلامی شدند و با فراهم آوردن امکان سکونت آن‌ها، نقش مهمی در شکل‌گیری و رونق علمی و فرهنگی مدینه ایفا کردند. توجه به اینکه تعدادی از ساکنان رباط‌های مدینه علمای برجسته این عصر بودند که با تحمل مشقت فراوان و بارها کردن خانواده، مقام و منزلت در موطن راهی حجاز و مدینه شده و در رباط‌ها سکونت گزیده بودند به‌خوبی این مهم را نشان می‌دهد. همچنین، می‌توان گفت که در این دوره و در نتیجه وجود رباط‌ها با امکانات رفاهی و نیز آموزشی، علمای برجسته دینی در مکتب علمی و فرهنگی مدینه تربیت شدند (همان، ۱۴۱۴: ۵۶/۲؛ ذهبی، ۱۴۲۱: ۲۲۴/۵۲؛ ابن فرحون، ۱۴۲۷: ۶۷-۷۰). بر این اساس، همان‌گونه که اهالی طائف در مکه برای رباط ربیع نذوراتی اختصاص داده بودند، اهالی مدینه نیز برای تأمین نیازهای زندگی علما و ساکنان رباط‌های شهر نذوراتی ارسال می‌کردند و به طور کلی، احترام به رباط نشینان در مدینه عملاً به بخشی از فرهنگ عمومی مردم این شهر تبدیل شده بود (سناوی، ۱۴۱۴: ۶۶-۷۰). در نتیجه رونق علمی شهر مدینه و حضور پر تعداد علما در این شهر و سکونت آن‌ها در رباط‌ها، موجب شد تا تعدادی از واقفان و متولیان این بناها، در کنار امکانات رفاهی، درصدد فراهم آوردن امکانات مرتبط با فعالیت‌های علمی و آموزشی باشند. از این‌رو، در تعدادی از رباط‌های مدینه، کتابخانه‌هایی با کتاب‌های وقفی و نیز امکان استنساخ کتاب‌های ارزشمند وجود داشت (همان، ۲۸۵/۱ و ۳۴۷). از جمله مسائل مهم تاریخی مربوط به رباط‌های مدینه در دوره مورد بحث، حضور تعدادی از شیوخ متصوفه و برخی از دعاوی مطرح شده توسط آن‌ها است که گاهی از سوی عموم یا عوام مردم حجاز نیز مورد توجه و تصدیق قرار می‌گرفت تا جایی که این دعاوی در برخی منابع این دوره نیز بازتاب یافته است (همان، ۹۳/۱، ۱۱۶، ۱۶۳؛ همان، ۲۹۱/۲).

نتیجه‌گیری

رباط‌ها از منظر تاریخی، یکی از مراحل تحول کارکردی خاص و متفاوت خود را تجربه کردند. از قرن پنجم هجری به بعد، احداث و بنای رباط در حجاز و عربستان آغاز شد که افزون بر کارکردهای مختلف، نقش مهم و پر رنگی در برگزاری مناسک حج عهده‌دار شد. در قرون هفتم و هشتم هجری، که جهان اسلام و مناطق شرقی و غربی آن، به کلی درگیری مشکلاتی بودند و در مقایسه با ادوار پیشین، مناسبات این دو قسمت به دلیل حاکمیت دولت‌های متنازع و متخاصم محدود شده بود، حج و حج‌گزاری نقش مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تری در استمرار مناسبات فرهنگی و تمدنی مسلمانان ایفا کرد. در این بین، نقش رباط‌ها نیز در نوع خود افزایش چشمگیری یافت. در این دوره رباط‌ها در کنار فراهم آوردن امکانات اسکان و رفاه حجاج در مکه و زائران مرقد پیامبر (ص) در مدینه، به مراکز علمی و فرهنگی مهمی نیز تبدیل شدند. بسیاری از عالمان، فضلا و صلحایی که از سایر نواحی جهان اسلام راهی حجاز و حج می‌شدند، در این رباط‌ها سکونت می‌گزیدند و به تبادل اندیشه، علم و تجربه با سایر عالمان سرزمین‌های مختلف اسلامی می‌پرداختند. از این‌رو، واقفان پرشماری از سراسر جهان اسلام، در مکه و مدینه به احداث رباط اقدام کردند، در حالی‌که موقوفه‌های قابل توجهی از طرف واقف، برای تأمین هزینه‌ها و نگهداری امکاناتی همچون کتابخانه‌های تأسیس شده در رباط‌ها تخصیص می‌یافت. از این‌رو، عالمان مسلمان حج‌گزار این امکان و فرصت را می‌یافتند که زمان بیشتری در مکه و مدینه با بهره‌گیری از امکانات موجود در رباط‌ها حضور داشته باشد و افزون بر به‌جای آوردن اعمال عبادی و معنوی در جوار حرمین شریفین، به تبادل فرهنگی و علمی با هم‌صنفان مسلمان خود بپردازند. بر این اساس، می‌توان گفت که رباط‌های حجاز (مکه و مدینه) در تجدید حیات فرهنگی و تمدنی حجاز در این دو قرن نقش مهمی ایفا کردند، ضمن آنکه به مثابه مراکزی تسهیل‌گر، در برقراری و استمرار مناسبات فرهنگی، علمی و تمدنی مناطق مختلف جهان اسلام نقش داشتند.

منابع

- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷)، *رحلة ابن بطوطه، تحفة النظار فی غرائب الامصار وعجائب الاسفار*، ج ۱، رباط: آکادیمیة المملكة المغربية.
- ابن تغری بردی، یوسف (۱۴۱۰)، *المنهل الصافی و المستوفی بعد الوافی*، قاهره: الهیئه المصریة العامه للکتاب.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۴)، *الدرر الكامنة فی اعیان المائة الثامنة*، ج ۴، بیروت: دارالجلیل.
- ابن ضیاء، محمد بن احمد (۱۴۱۶)، *تاریخ مکه المشرفة و المسجد الحرام و المدينة الشریفة و القبر الشریف*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن ظهیر، محمد بن محمد (۱۴۲۳)، *الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف*، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة.
- ابن عماد، عبدالحی بن احمد (۱۴۱۲)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، ج ۷، بیروت: دار ابن کثیر.
- ابن فرحون (۱۴۲۷)، *تاریخ المدینة المنورة المسمى نصیحة المشاور و تعزیه المجاور*، بیروت: شركة دار الارقم بن ابی الارقم.
- ابن فهد، عمر بن محمد (۱۴۲۶)، *اتحاف الوری باخبار ام القرى*، ج ۲ و ۳، مکه مکرمه: وزارة التعلیم العالی جامعة ام القرى.
- (۱۴۲۱)، *الدرر الکمین بذیل العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین*، ج ۱ و ۲، بیروت: دارخضر.
- *بلوغ المنی و الظفر، ریاض: مکتبه الرشد، بی تا.*
- ابن قاضی شهبة، ابوبکر بن احمد (۱۴۱۸)، *تاریخ ابن قاضی شهبة*، ج ۴، دمشق: المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیة.
- بدر، عبدالباسط عبدالرزاق (۱۴۲۴)، «الحیة الثقافیة فی المدینة فی العصر المملوکی»، نشریة المدینة المنورة، العدد ۵، جمادی الاخر.
- بدریشی، احمد هاشم احمد (۱۴۲۱)، *اوقاف الحرمین الشریفین فی العصر المملوکی* (۹۲۳-۶۷۱ق)، رساله مقدمه لنیل درجه الدكتوراه فی التاریخ الاسلامی، جامعة ام القرى.
- بصری، عباس، (۱۴۰۰)، *اوضاع فرهنگی و اجتماعی حرمین شریفین در دوره ممالیک* (۹۲۳-۶۷۱ق)، تهران: مشعر.

جاگاه و کارکرد فرهنگی - تمدنی رباط‌های حجاز در ایام حج | ۱۳۷

جلال، آمنه حسین محمد علی (۱۴۰۷)، *طرق الحج و مرافق فی الحجاز فی العصر المملوکی (۹۲۳-۶۴۸ق)*، رساله مقدمه لنیل درجه الدكتوراه، جامعه ام القرى. ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، ج ۵۲، لبنان: دارالکتب العربی.

زمانی محجوب، حبیب (۱۳۹۲)، رباط های ماوراءالنهر، *تاریخ اسلام*، شماره ۵۶. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن (۱۴۱۴)، *التحفۃ اللطیفۃ فی تاریخ المدینة الشریفۃ*، ج ۱ و ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.

.....*الضوء اللامع لاهل القرن التاسع*، بیروت: دارمکتبه الحیاه، بی تا. سمهودی، علی بن عبدالله (۲۰۰۶)، *وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی*، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.

سید حمزه، مریم؛ سلطان احمدی، بهمن (۱۳۹۸)، «رباط بنایی نظامی در راههای تاریخی»، *نشریه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی اسلامی*، سال ۲، شماره ۳. شافعی، حسین عبدالعزیز حسین (۱۴۱۶)، *الرباط فی مکة المکرمة منذ البدايات و حتی نهایه العصر المملوکی*، مقدمه لنیل درجه الماجستير، المملكة العربیه السعودیه: جامعه ام القرى. کعکی، عبدالعزیز (۲۰۰۷)، *معالم المدینة المنورة بین العمارة والتاریخ*، بیروت: دار والمکتبه الهلال.

صفدی، خلیل بن ایبک (۱۴۰۲)، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۰، بیروت: داراحیاء التراث العربی. (۱۴۰۱)، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی. طبری، علی بن عبدالقادر (۱۴۱۶)، *الارجح المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء*، مکه مکرمه: المکتبه التجاریه مصطفی احمد الباز. فاسی، محمد بن احمد (۱۴۱۹)، *العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین*، ج ۱، ۲، ۳، ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه.

..... (۱۴۱۸)، *الزهور التتطفه من تاریخ مکه المشرفه*، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.

..... (۱۴۲۸)، *شفا الغرام باخبار البلد الحرام*، ج ۱ و ۲، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.

الاحمدی، سمر عبدالله (۲۰۲۲)، «اسهامات اهل العراق فی مکه و المشاعر المقدسة العلمیة و العمرانیة و الخیریة من خلال کتاب العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین»، *تاریخ اسلامی*، کلیه

- الآداب، قسم العلوم الاجتماعيه، جامعه الطائف، العدد التاسع و العشرون.
 القليبي التوني، السيد محبي الدين (۱۳۷۱)، «الرباط في سبيل الله كيف بدا و الام انتهى»، نشره
 رساله الاسلام، السنه الرابعه، العدد ۳.
 مالكي مكى، محمد بن احمد (۱۴۲۴)، *تحصيل المرام فى اخبار البيت الحرام و المشاعر العظام و
 مكه و الحرم و ولايتها الفخام، مكه مكرمه: مكتبه الاسدى.*
 محجوب مير غنى، عبدالله بن ابراهيم (۱۴۲۹)، *عده الانايه فى اماكن الاجايه، مكه مكرمه: المكتبه
 المكيه.*
 مقريزى، احمد بن على (۱۴۲۳)، *السلوك لمعرفة دول الملوك، ج ۳، قاهره: دارالكتب و الوثائق
 القوميه، الاداره المراكز العلميه، مركز تحقق التراث.*
 (۱۴۲۷)، *السلوك لمعرفة دول الملوك، ج ۵، قاهره: دارالكتب و الوثائق
 القوميه، الاداره المراكز العلميه، مركز تحقق التراث.*
 (۱۴۲۳)، *المقتفى الكبير، ج ۳، بيروت: دارالغرب الاسلامى.*
 (۱۴۲۷)، *المقتفى الكبير، ج ۵، بيروت: دارالغرب الاسلامى.*
 مكى، عبدالله غازى (۱۴۳۰)، *افاده الانام بذكر اخبار البلد الحرام، ج ۲، مكه المكرمه: مكتبه
 الاسدى.*
 منشاوى محمد، محمد محمود (۲۰۲۲)، *التأثيرات الحضارية العراقية فى بلاد الحجاز من مستهل
 القرن الرابع حتى منتصف القرن السابع، مجله كليه الآداب، جامعه بنى سويف.*
 نواب، عواطف بنت محمد (۱۴۱۷)، *الرحلات المغربيه والاندرلسيه مصدر من مصادر تاريخ
 الحجاز فى القرنين السابع و الثامن الهجريين دراسه تحليليه مقارنه، رياض: مكتبه الملك فهد
 الوطنيه.*
 يعقوب، اميل (۱۴۱۸)، *المعجم المفصل فى اللغويين العرب، ج ۲، بيروت: دارالكتب العلميه.*
 يونينى، موسى بن محمد (۱۴۲۸)، *ذيل مرآه الزمان، ابوظبى: هيئه ابوظبى للثقافه و التراث،
 المجمع الثقافى.*

Mortel, Richard (1998), *Ribāts in Mecca during the medieval period: a descriptive study based on literary sources*, Bulletin of the school of oriental and African Studies, University of London, vol. 61, No.1
 Nasser Rabbat, "Ribāt" (1995), EI2, VIII.1.

Transliteration

- Al -Qalibi al -Toni, al -Sayyid Mohi al -Din (1371), "Al -Robot fi Sabīl Allah Kaīf Bada' and Alam Entry", Magazine of the Prophet al -Islam, al -Sunna al -Raba'ah, al -Adad 3.
- Al-Ahmadi, Samar Abdullah (2022), "Ishamāt Ahl ul-Iraq fi Makkah wa Al-Mašā 'ir ul-Moqadasa al-'Elmīyyah wa Al-'Umranīyyah wa Al-kaīrīyah Mīn Al-'Iqd ul-Ṭamīn fi Ta'rīk al-Balad ul-Amīn", Islamic History, Al-Dab College, Social Sciences Department, Al-Taif Society, 9th issue and the tenth
- Badr, 'Abd ul-Bāsīt 'Abd ul-Razzaq (1424), "Al-Ḥayyat ul-Ṭīqqafīyyah fi al-Madīnah fi al-'Aṣr ul-Mamlūkī", al-Madīnah al-Nura magazine, no. 5, Jumadi al-Akhr.
- Badrīšī, Aḥmad Hashem Aḥmad (1421), Endowments of the Two Holy Harams in the Mamluk Era (648-923 AH), Introduction to the Doctoral Degree in Islamic History, Umm al-Qari Society.
- Basiri, Abbas (1400), the cultural and social conditions of Haramin Sharifin during the Mamluk period (648-923 AH), Tehran: Mashaar.
- Fāsī, Moḥammad b. Aḥmad (1418), Al-Zohūr ul-Moqṭafa Mīn, Ta'rīk Makkat ul-Moṣarafah, Riyadh: Maktaba Nīzar Moṣṭafa al-Bāz.
- Fāsī, Moḥammad b. Aḥmad (1419), Al-'Iqd ul-Ṭamīn fi Ta'rīk al-Balad ul-Amīn, Vol. 5, 3, 2, 1, Beirut: Dār ul-Kītab ul-'Elmīya.
- Fāsī, Moḥammad b. Aḥmad (1428), al-šīfa' ul-Gharam Bī Aḳbār Al-Balad ul-Ḥaram, Vol. 1 and 2, Cairo: Al-Ṭīqaft ul-Dīnīyah.
- Ibn 'Emad, 'Abd ul-Ḥay b. Aḥmad (1412), šazarāt ul-Zahab fi Aḳbār Mīn Al-Zahab, Volume 7, Beirut: Dār Ibn Kaḥīr.
- Ibn Baṭūṭa, Moḥammad b. Abdullāh (1417) Rīhla Ibn Baṭūṭa, vol. 1, Robot: Akademiya al-Mamlīkat Al Maḡrībīya.
- Ibn Fahd, 'Umar b. Moḥammad (1421), Al-Dor ul-Kamīn, Bīzeil al-'Aqd ul-Ṭamīn fi Ta'rīk ul-Balad ul-Amīn, Vol. 1 and 2, Beirut: Dārḳīzr.
- Ibn Fahd, 'Umar b. Moḥammad (1426), Iṭḥaf ul-wara Bī Aḳbār ul-Om ul-Qura', Vol. 2 and 3, Makkah: Ministry of Higher Education of Umm Al-Qura' Society.
- Ibn Fahd, 'Umar b. Moḥammad, Bolūq ul-Manī wa Al-ḡafar, Riyadh, Al-Rashad School, n.d.
- Ibn Farhoūn, (1427), Ta'rīk al-Madīnat ul-Monawarah al-Mosamī Naṣīḥa Al-Moṣawīr wa Ta'zīyah Al-Moḡawīr, Beirut: Dār ul-Arḡamm b. Abī al-Arḡam.
- Ibn Ḥajar 'Asqalānī, Aḥmad b. 'Alī (1414), Al-Dorar ul-Kāmīnah Fī 'Ayān ul-Ṭamīna, vol. 4, Beirut: Dār ul-ḡalīl.
- Ibn Qazī šohba, Abū Bakr b. Aḥmad (1418), Ta'rīk-e Ibn Qazī šohba, Vol. 4, Damascus: Al-Muhad Al-Elami Al-Fransi for Arab Studies.
- Ibn Taḡra Bardī, Yūsuf b. Taḡra Bardī (1410), Al-Manhal ul-ṣafī wa Al-Mostafī Ba'd ul-Wafī, Cairo: Al-Mīšrīyyah Al-'Āma Lī-Kītab.
- Ibn zaḥīr, Muhammad b. Mohammad (1423), Al-jamī ' ul-ṭaf Fī Faḡ Makkah Wa Ahloha Wa Bana' ul-Bayt Al- šarīf, Cairo: Al-Ṭīqafa ul-Dīnīyah.
- Ibn zīyā, Mohammad Ibn Ahmad (1416), Ta'rīk Makkah Al-Moṣarafah wa Al-Mašjīd ul-Ḥaram wa Al-Madīnaht ul-šarīfah wa Al-Qabr ul-šarīf, Beirut: Dār ul-Kītab Al-'Elmīya.
- Jacob, Emile (1418), al -Mo'jam ul -Mofaṣal fi al -Loghawī' īn al -'Arab, vol. 2, Beirut, Dār al -Kotob ul -'Elmīyyah.
- Jalal, Ameneh Hossein Mohammad Ali (1407) Hajj Routes and Ways of Hajj in the Mamluk Era (648-923 A.H.), Introductory Dissertation for Doctoral Degree,

- Umm Al-Qari Society.
- Mahjub Mir Ghani, Abdullah b. Ibrahim (1429), 'Adat ul-Inaba Amasākīna Ejāba, Mecca Makram:
- Maki, Abdullah Ghazi (1430), Al -Efdat ul-Anām, vol. 2, Mecca al -Mokram: School of Al -Asadi.
- Maliki Maki, Mohammad b. Ahmad (1424), Taḥṣīl ul-Marām fī Aḳbār Al -Bayt ul -Ḥarām wa al -Mašā 'ir ul -'Ozām, Mecca wa al -Ḥaram wa Valatīh al -Faḳām, Mecca Mokarama: Al -Asadi School.
- Manšāwī Mohammad, Mohammad Mahmoud (2022), Ta'ṭīrāt ul -Ḥīzarīya al -Iraqīyyah fī Bīlad ul-Ḥijāz Mīn Mostahīl ul-Qarn ul-sābī ', the Magazine of Kolīyat ul-Ādāb, jāmi 'a Banī Swayf.
- Maqrīzī, Aḥmad b. 'Alī, al -Moqafī ul -Kabīr, Vol. 3 (1423), Vol. 5 (1427) Beirut: Dār al -Gharb ul -Islāmī.
- Maqrīzī, Aḥmad b. 'Alī, Al -Solūk Lī Ma'rīfat Doval ul -Molūk, vol. 3 (1423), c.
- Nawab, Awatif Bint Mohammed (1417), al-Rīḥīlāt ul -Maghrībīyyah wa Andūlūsīya Maṣdar Mīn Maṣādīr Ta'rīk al -Ḥijāz, Riyadh: Al -Malīk Fahd al -Waṭanī.
- ṣafdī, ḳalīl bin Aibek, Al-Wafī Bī al-wafayāt, Vol. 10 (1402), Vol. 19 (1401), Beirut: Dār ul-Eḥīya al-Tarath ul-'Arabī.
- Saḳāwī, Moḥammad b. 'Abdorrahman (1414), Al-Toḥaf ul-Laṭīfah fī Ta'rīk al-Madīnat ul-ṣarīfah, vol. 1 and 2, Beirut: Dār al-Kītab ul-'Elmīya.
- Saḳāwī, Moḥammad b. 'Abdorrahman, Al-ḳaw ul-Lamī ', Beirut, dār Maktabat ul-Ḥayya, n.d.
- Samhoūdī, 'Alī b. Abdullah (2006), Wafa' ul-Wafa' bī Aḳbar Dār ul-Moṣṭafa, vol. 2, Beirut: Dār ul-Kītab ul-'Elmīya.
- Seyed Hamzeh, Maryam; Sultan Ahmadi, Bahman (2018), "Military construction ties in historical ways, Iranian Islamic Architecture and Restoration Research Journal", year 2, number 3.
- Shafī'i, Hossein Abd al-Aziz Hossein (1416), Al-Rabaat fī Makkah al-Mukarma since the beginning and even the end of the Mamluk era, Introduction to the book of the Majestir degree, Al-Malkeh al-Arabiya al-Saudiya: Umm al-Qari Society.
- Ṭabarī, 'Alī b. 'Abd ul-Qādīr (1416), al-'Araḳ ul-Maskī fī al- Ta'rīk al-Makī wa Tarājīm ul-Molūk wa al-ḳalīfa, Makkah: Al-Maktabt ul-Tījārīyyah Moṣṭafa Aḥmad al-Bāz.
- Yunin, Musa b. Mohammad (1428), Zeīl Mīr-Āt ul -Zamān, Abu Dhabi: Hay'at Abu Dhabi Līl-Ṭīqāfa wa Al -Tarat, al -Majma' ul -Ṭīqafī.
- Zahabī, Moḥammad b. Aḥmad, Ta'rīk ul-Islam wa Fayat ul-Maṣahīr wa al-A'lam, (Vol. 52), Lebanon: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Zamani Mahjub, Habib (2012), Caravanserai of Transoxania, Islamic History, No. 56.